

مقدمه :

با توجه به اینکه شیعه دارای گنج های با ارزش و پرباری است، همچون ادعیه که در آن معارف ژرف و گفته های ناب ائمه معصومین علیهم السلام، در قالب دعا و زیارت به ما رسیده است که می توان با بررسی و عمل به آنها به عقاید صحیح، سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی دست پیدا کرد. یکی از بارزترین این زیارات؛ زیارت آل یاسین است که به عنوان دانشگاهی از معارف حقّه شیعه، انسان را به کمال و حقیقت عبودیت می رساند؛ لذا ضرورت دانستم به بررسی و پژوهش این زیارت عظیم الشان برآیم و از عمق فرازهای آن به اصول دین که اعتقاد به آن موجب رستگاری می شود را در قالب تحقیقی ارائه دهم که شامل هفت فصل می باشد.

زیارت در لغت به معنای بازدید کردن و یا دیدار کردن از شخص بزرگ است.^۱ اما در اصطلاح دینی زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد.^۲

زیارت که واقعیتی اصیل، عینی و خارجی است، نه پنداری، ذهنی و خیالی، آثار و برکات فراوان وجودی دارد و از سه رکن و پایه اصیل مرکب است.

(۱) زائر، یعنی شخصی که میل و گرایش به چیزی یا کسی را دارد.

(۲) مزور، یعنی شخص یا چیزی که میل به سوی اوست.

(۳) خصیصه ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است. روشن است که هریک از این ارکان سه گانه مختل شود یا از واقعیت و عینیت تهی باشد زیارت تحقق نمی یابد.^۳

زیارت اهداف فراوان و ارزشمندی دارد، و از طرفی نیز تنها یک هدف و مقصد اصیل وجود دارد و آن همان توحید در مبدأ و غایت است. پس بنابراین، هدف غایی زائر در زیارت نیز خدا و تقرب به ساحت الهی است.^۴

زیارت آل یاسین از معروفترین زیارات حضرت بقیة الله (علیه السلام) می باشد که نیازی به مکان و زمان خاصی ندارد و همه جا می توان از آن بهرمند شد.^۵ از خصوصیات این زیارت این است که تعلیم دهنده آن کسی است که خود او را با این جملات زیارت می کنیم. شاید چنین زیارتی در میان زیارات رسیده نباشد و یا بسیار کم باشد.^۶ این زیارت با جمله "سلام علی آل یس" آغاز می شود و به کلمه "آمین" خاتمه می پذیرد، که از دو بخش اساسی تشکیل شده است: بخشی درود و سلام و بخشی گواهی و شهادت.^۷ از منابع مهم این زیارت می توان احتجاج طبرسی، بحارالانوار، تکالیف الأنام فی غیبة الإمام، فوز اکبر در توفیقات به امام منتظر (علیه السلام) و مفاتیح الجنان را نام برد.

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، انتشارات راه رشد- تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ش، ص ۶۱۲

۲- فخرالدین بن محمد، طریحی، مجمع البحرین، ۶جلد، انتشارات مرتضوی- تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۲۰

۳- مرتضی، جوادی، فلسفه زیارت و آیین آن، مؤسسه نشر اسرا- قم، چاپ: سوم، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰

۴- همان، ص ۷۴-۷۷

۵- جعفر، رفیعی، تفسیر و شرح زیارت آل یاسین، مؤسسه یاران قائم (علیه السلام) می باشد- قم، چاپ: اول، سال ۱۳۷۷ش، ص ۹

۶- مجتبی، بحرینی، سلام بر پرچم افراشته (شرح سلام های زیارت آل یاسین)، انتشارات منیر- قم، چاپ: اول، سال

۱۳۷۷ش، ص ۲۹

۷- مجتبی، بحرینی، سلام بر پرچم افراشته (شرح سلام های زیارت آل یاسین)، ص ۳۵

راوی و ناقل این زیارت جناب ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر بن الحسین بن مالک بن جامع الجَمیری القمّی است که همه علمای رجال و بزرگان راوی شناس از او به بزرگی و قداست یاد کرده اند.^۱

عقیده از ریشه (عقد) و به معنای بستن، پیوند زدن و گره خوردن است. و عبارت است از چیزی که به ذهن و فکر و جان انسان بسته می شود و پیوند می خورد. نقش آن، اساس همه جهت گیری های انسان در زندگی، عقاید و باورهاست.^۲ که اظهار آن خدمت امام (علیه السلام) یکی از اعظم مستحبات شمرده است.

و این که چرا نام فاطمه در زیارت نیامده است به دو دلیل می باشد: اولاً این زیارت در مقام شرح و تبیین عقائد اصولی یک فرد مسلمان است و اینکه نام تمام امامان (علیهم السلام) برده شده است به جهت مقام خلافت و امامتشان بوده که یکی از اصول اعتقادی ما است و به نام «اصل امامت» می باشد. ثانیاً اینطور نیست که از حضرت یادی نشده باشد چون با صراحت و جرأت می توان گفت که عبارت «لا حبيب الا هو و اهله» منظور از اهل حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می باشند.^۳

توحید: مصدر از ریشه (وحد) به معنی عبادت خداوند یکتا، این واژه ضد شِرک است.^۴ و در اصطلاح توحید یعنی یگانه دانستن خداوند و شریک قرار ندادن برای اوست.^۵ توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی، توحید در عبادت از شاخه های توحید می باشد، که کلمه طَیِّبَه (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) پیش از هر چیزی بر توحید عملی (توحید در عبادت) اشاره دارد.^۶

أَشْهَدُ: مصدر آن شهادت است از ریشه شهد می آید (شهادت) به معنای حضور، مشاهده و دیدن است.^۷

-
۱. جعفر، رفیعی، تفسیر و شرح زیارت آل یاسین، ص ۹
 ۲. محمد، ری شهری، درس هایی از صول عقاید اسلامی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۶ش، ص ۱۹
 ۳. تفسیر و شرح زیارت آل یس، همان، ص ۱۳۹
 ۴. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، انتشارات اسلامی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵ش، ص ۲۷۲
 ۵. روح الله، خمینی، توحید از دیدگاه امام خمینی، تدوین فروغ السادات رحیم پور، انتشارات آثار امام خمینی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۳
 ۶. مرتضی، مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری (بخش اصول عقاید مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی)، انتشارات صدرا - تهران، چاپ: یازدهم، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۱۰۴
 ۷. احمد بن محمد، فیومی، المصباح المنیر، فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ۲ جلد، مؤسسه دار الهجرة - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق ص ۳۲۴

إله: از ریشه (أله) به معنای عبد یا از ریشه (إله) به معنای تحیر است. برخی ریشه آن را «وله» به معنای شیدایی و عشق و برخی دیگر «لاه یلوه لیاها» به معنای احتجب دانستند.^۱

الله: در اصل «ألله» بود که همزه آن بر اثر کثرت استعمال حذف شده است. بنابراین معنای آن، اله معین و مشخص است نه هر الهی، اصطلاحاً به آن لفظ جلاله می گویند.^۲

در «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» زائر شهادت می دهد که غیر از خدای یگانه الله و معبود دیگری در عالم هستی وجود ندارد این شهادت گاهی لفظی است بدین معنا که شهادت دهنده لفظاً شهادت بر یگانگی خدا می دهد و گاهی به معنای شهود قلبی است یعنی با قلب خود مشاهده می کند که غیر از خدای یگانه معبود دیگری نیست.^۳

وَحْدَه: به معنای یگانگی است.^۴ از این رو به کسی که در قوم خود یگانه و بی مانند باشد (واحد قبيلة) گفته می شود.^۵

لا شَرِيكَ لَهُ: شریک از ریشه شرک است اصل این واژه بدین معناست که دو یا چند فرد در کار یا چیزی، مقارن و کنار یکدیگر باشند؛ چگونه ای که هر یک از آنها سهم یا تأثیری در آن داشته باشند از این رو در معنای خلاف افراد بکار می رود.^۶

اگر خدایان چندی در جهان حکومت می کردند، هر بخشی از جهان را خدای جداگانه اداره می کرد و دیگران نظام احسن حاصل نمی شد، زیرا این نظام احسن از یک مبدأ است و چرا که هر آنچه فساد می شود از تعدد و کثرت است و هرچه صلاح است از وحدت است.^۸

۱- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی- تهران، چاپ: دوم،

۱۳۷۴ش، ص ۱۸۷

۲- همان، ص ۱۸۷

۳- عبدالله، جوادی آملی، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، ۹ جلد، انتشارات اسراء- قم، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰

۴- احمد بن محمد، فیومی، المصباح المنیر، ص ۶۵۰

۵- أحمد بن فارس، ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، مکتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۹۰

۶- حسن، مستفوی، التحقيق فی کلمات قرآن کریم، ج ۶، ص ۵۰

۷- معجم مقاییس اللغة، همان، ص ۲۶۵

۸- محمد حسین، طباطبایی، اصول عقائد و دستورات دینی، به اهتمام اصغر ارادتی، انتشارات دفتر تنظیم نشر آیت الله طباطبایی، چاپ ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۳۷

عدالت از میان صفات خداوند از اهمیت زیادی برخوردار است به که بسیاری از صفات دیگر به آن بازگشت می شوند و اینکه مسئله معاد هم متکی به مسئله عدل خداوند می باشد.^۱ یکی از علت های اصلی اختلاف شیعه و سنی مسئله عدل می باشد.^۲

عدل در لغت به معنی برابر و ضد جور آمده است^۳ و در اصطلاح دو معنا دارد: ۱- «وَضْعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ» ۲- «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ».^۴

یکی از مصادیق عدل میزان می باشد که از ماده (وزن) به معنی سنجش و اندازه گیری می باشد.^۵ میزان در آیات به معنای ابزار سنجش وزن نیست بلکه مفهوم گسترده ای از جمله سنجش حق از باطل، عدالت از ظلم و جورو عدالت حقوق انسان ها در مراحل و مسیر های مختلف و... دارد. و براساس آیات و روایت ها مصادیق میزان، پیامبران و امامان (ع) هستند.^۶

خداوند سبحان به مقتضای لطف و حکمت خود پیامبران و سفیرانی را برای هدایت بشر و راهنمایی و نجات آنها از خطرهای مهلک که در طی این طریق است فرستاده است، و از این جهت است که مسئله نبوت در متن زندگی ما و در خط اصلی قرار دارد.^۷

محمد: از کلمه (حمد) اشتقاق یافته و به معنای ستایش و ستودن است. که معروف ترین نام مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد و چهار بار نام مقدس ایشان در قرآن ذکر شده است.^۸

عَبْدٌ: یعنی بنده - مملوک - برده.^۹ صفت عبودیت زمینه هر کمالی را برای عبد فراهم می کند و نردبان ترقی او برای پیمودن هر مقام رفیعی است و به همین دلیل است که عبودیت پیامبر در این فراز از

۱. ناصر، مکارم شیرازی، ۵۰ درس اصول عقائد برای جوانان، انتشارات نسل جوان- قم، ۱۳۸۶ش، ص ۷۹ تا ۸۳

۲. مرتضی، مطهری، عدل الهی، انتشارات صدرا- قم، چاپ: دهم، پاییز ۱۳۶۱ش، ص ۵۲

۳. علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۰۱

۴. محمد تقی، مصباح یزدی، آموزش عقاید، انتشارات بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ: اول، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۳

۵. علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۰۷

۶. جعفر، سبحانی، معادشناسی (درپرتویکتاب، سنت و عقل)، ترجمه علی شیروانی، انتشارات الزهراء، چاپ: اول، ۱۳۷۰ش، ص ۱۱۲

۷. محسن، قرائتی، اصول عقاید، ص ۱۳۲

۸. فخرالدین بن محمد، طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۰

۹. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷

زیارت و همچنین در نماز مقدم است بر مرتبه رسالت پیامبر.^۱

نباء به معنی خبر بزرگ و عظیم و نبی یعنی خبر دهنده، چرا که انبیاء از خدا خبر می آورند؛ ولی رسول از ماده رسالت است و به معنی فرستاده به طور کلی می باشد.^۲

حبیب: صفت مشبهه، از ریشه «حب» است. معنای اصلی در این ریشه را تمایل شدید و نقیض بغض گفته اند.^۳ که یکی از القاب مختص پیامبر می باشد و هیچکس به جزء پیامبر و اهل بیت ایشان مفتخر نگردیده اند.

اهل یعنی اخویشاوندان - ایل و تبار - پیروان و وابستگان.^۴ و بنابر فرهنگ قرآن به کسانی اهل یا ذریه پیامبر گفته می شود که از نظر عقیده با پیامبر پیوند داشته باشد.^۵

امام کسی است که از او پیروی و به اقتدا شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل جمع آن ائمه است.^۶ امامت، ریاست عامه بر امور دین و دنیای مردم است به واسطه پیغمبر.^۷ یکی از اختلاف شیعه و سنی مسئله امامت می باشد.

شیعه معتقد به معصومیت امام است اما سنی عصمت را از شرایط امام نمی داند.^۸ باتوجه به حدیث سلسله الذهب توحید و امامت به عنوان دو قلعه مستحکم الهی شماره شده است.^۹ یکی از اعتقادات شیعه این است که علی بن ابیطالب (علیه السلام) امیر المومنین است و این لقب تنها و تنها شایسته و برازنده علی بن ابی طالب است و احدی حق ندارد خود یا دیگری را به این لقب نام نهد.^{۱۰}

۱- ر.ک: محمد جواد، جواد آملی، ادب فنای مقربان، همان، ج ۳، ص ۱۹۷؛ ر.ک: جعفر، رفیعی، تفسیر و شرح زیارت آل یاسین، ص ۱۳۶

۲- مرتضی، مطهری، نبوت، انتشارات صدرا- قم- چاپ اول، ص ۱۳

۳- خلیل بن أحمد، فراهیدی، کتاب العین، ج ۹، انتشارات هجرت - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ق ج ۳، ص ۳۱؛ محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۸۹

۴- جعفر، رفیعی، شرح و تفسیر دعای ندبه، انتشارات موسسه یاران، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ش، ص ۶۹

۵- علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۱، ص، ۱۳۵

۶- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۱۹۷

۷- لطف الله، صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، انتشارات واحد بین المللی دفتر آیت الله صافی گلپایگانی، چاپ: پنجم، ۱۳۹۱ ش، ص ۲۲۳-۲۲۶

۸- محمدحسین، حسینی طهرانی، امام شناسی، ص ۶

۹- محسن، قرائتی، اصول عقاید، ص ۳۷۶

۱۰- حسن، منتظرین، زمزمه قدسیان، ص ۹۷

امام کاظم (علیه السلام) براهین و حجت های الهی را دو گونه می داند؛ یکی نهان که آن عقل است و دیگری آشکار که آن حجت های ظاهری که همان فرستادگان الهی، پیامبران و امامان است می باشد.^۱ و حجت خدا در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) مرجع (المرجع) است که اگر ایشان را رد کنیم مانند این است که همه پیامبران را پذیرفته ایم ولی رسالت پیامبر اکرم را رد نموده ایم.^۲ تعبیر اول و آخر در برخی از محاورات مفهوم جامعیت و نهایت را می رساند. و احتمال دیگر آن این است که مقصود از اول بودن - قبلیت قبل از همه و اولیت و برتری نسبت به همه در اصل وجود و آثار وجود - می باشد و مقصود از آخریت فنا و اوج مقدس حضرت در عالم برزخ یا اینکه مقصود جایگاه خاص حضرت در عالم آخرت که واجد آخرین مرتبه و مقام هستند.^۳

رجعت در لغت به معنای بازگشت است و مقصود از آن در فرهنگ شیعه، بازگشت گروهی از امت اسلامی به این جهان پس از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) مرجع (المرجع) و قبل برپایی قیامت است. به طور مثال احیای گروهی از بنی اسرائیل؛ احیای مقتول بنی اسرائیل به وسیله بقره موسی؛ احیای عزیز پس از صدسال و نکته مهم این است که رجعت تناسخ نیست بلکه بازگشت دوباره روح به بدن است.^۴

معاد از ریشه (عود) به معنی رجوع و برگشتن است.^۵ معاد، در عقل و فطرت هر انسانی جایگاه قابل توجهی دارد، زیرا کیست که نپرسد و یا نخواهد بداند که آینده انسان و جهان چه می شود؟^۶

واژه معاد به معنای اصطلاحی در قرآن استعمال نشده، ولی این معنا با کلماتی همانند «مرجع» «رجوع»، «مآب» و «عود» و... بیان شده است.^۷ اما در روایات و ادعیه از کلمه معاد به معنای رجوع و برگشتن تعبیر شده است.

۱- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی؛ ج ۱؛ ص ۱۶

۲- لطف الله، صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، انتشارات السیده المعصومه - قم، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۲۶

۳- مجتبی، بحرینی، تورا گواه می گیرم، ص ۸۳

۴- جعفر، سبحانی، راهنمای حقیقت (پرسش و پاسخ پیرامون عقاید شیعه)، انتشارات موسسه فرهنگی هنری مشعر، زمستان ۱۳۸۹، ص ۸۹-۹۱

۵- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۶۶

۶- محسن، قرائتی، اصول عقائد، ص ۳۶۱

۷- محمد حسین، طباطبایی، معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، انتشارات عصر غیبت، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۳

مرگ آخرین مرحله از مراحل زندگی دنیوی و نخستین مرحله از حیات اخروی می باشد.^۱ مرگ را در انسان به معنای دیگر نیز می توان امر وجودی دانست، به این صورت که بگوییم گذرگاهی است به سوی زندگی جدید و انتقالی است از منزلی به منزل دیگر در سخنان ائمه اطهار -علیهم السلام- اشاره هایی به این معنا شده است.^۲ یکی از اعتقادات ما شیعیان این است که سوال منکر و نکیر در قبر حتمی و مسلم است.^۳

نشر در اصل بمعنی گستردن و گسترده شدن است.^۴ و بعث برانگیختن یا روانه کردن چیزی است.^۵

صراط راه آشکار وسیع، راه راست.^۶ صراط غالباً به راهی که انسان را به خیر می رساند اطلاق می گردد برخلاف (سبیل) که به هر راهی گفته می شود خواه به خیر بیانجامد یا به شر.^۷

مرصاد از ریشه رَصَدَ در زبان عربی به معنای مراقبت نمودن است. که به مکانی که فقط مخصوص کمین است گفته می شود.^۸ که کلمه مرصاد دو بار بیشتر در قرآن نیامده است.

حشر به معنای جمع کردن.^۹ منظور از حشر، محشور شدن انسان ها با یکدیگر در صحرای محشر است ولی نشر یعنی خداوند انسان ها را به حسب موقعیت و مقامی که به وسیله ایمان و کفر کسب کرده دسته دسته و گروه گروه در صحرای محشر پراکنده می سازد و هرکس در جایگاه و مکان مخصوصی اسکان داده می شوند تا به حساب و کتاب وی رسیدگی شود.^{۱۰}

حساب از ماده (حسب) بمعنی شمردن و حساب و اندازی گیری آمده است.^{۱۱} که یکی از موافق پس از مرگ است که دلها در این هنگام هراسان و نگرانند چرا که هنگام داوری کردن میان مردم است که شاهدان

۱- احمد بن فارس، ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۲۸۳، ماده موت

۲- عبدالحسین، دستغیب، اصول دین، ص ۷۲۰

۳- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۶۵

۴- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن؛ ج ۴؛ ص ۳۳۴

۵- علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۴، ص: ۱۲۳-۱۲۲

۶- جعفر، سبحانی، معاد شناسی، ص ۲۰۳

۷- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ص ۴۳۲

۸- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۰۱

۹- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن؛ ج ۲؛ ص ۱۴۴

۱۰- جعفر، رفیعی، تفسیر و شرح زیارت آل یاسین، ص ۱۷۱

۱۱- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن.. ج ۲؛ ص ۱۲۷

یا خارجی هستند مانند: خدای سبحان و پیامبران و فرشتگان و یا داخلی، مانند: اعضاء و جوارح و حتی پوست بدن.^۱

جنت باغ، بهشت.^۲ جایی است که در آن ناکامی و ناراحتی نیست، اندوه و ضعف و... لذا نامش دارالسلام می باشد. سلطنت حقیقه که عبارت از قدرت تامه است بطوری که هر چه بخواهند بشود.^۳

النَّار به معنای آتش و دوزخ است.^۴ جهنم گودالی است بی پایان و آتشی است افروخته شده از غضب یزدان و زندان اخروی است که در آن انواع عذاب ها و اصناف شدت ها و اقسام بلاهاست که ادراک آنها فوق فهم ماست و تحقیقاً مقابل و ضد بهشت است و بنا بر روایات بهشت و جهنم اکنون وجود دارد.^۵

وعده ها که خداوند به بهشت داده و وعید هایی که به جهنم داده است همگی حقیقت دارند. و تفاوت آن دو در این است که وعد در وعده خیر و شرّ هر دو بکار رود ولی وعید فقط در وعده شرّ گفته می شود.^۶

سعادت و شقاوت نتیجه ایمان و عمل و عدم آن دو است در اینصورت سعادت حالت نفسانی است که رسیدن بخیرات را میسر می کند و شقاوت عکس آن است چنانکه در این آیه ملاحظه می کنیم ابتدا حکم بشقاوت و سعادت شده سپس وعده جهنم و بهشت آمده است.^۷

تَوَلَّى از ماده ولاء است ؛ دوست و صمیمیت. یعنی دو چیز چنان نسبت به یکدیگر اتصال داشته باشند که هیچ چیزی بین آنان حائل نباشد.^۸ و اما تَبَرَّى از ماده بَرَّء گرفته شده به معنای بیزاری کردن. اصل بُرء و تَبَرَّى یعنی کناره گرفتن از هر چیزی که مجاورت با آن مورد کراهت باشد.^۹

۱- جعفر، سبحانی، معاد شناسی، ص ۱۰۴

۲- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۲؛ ص ۷۴

۳- عبدالحسین، دستغیب، اصول دین، ص ۸۱۵ و ۸۲۴

۴- بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، ص ۸۸۹

۵- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن؛ ج ۷؛ ص ۲۲۶

۶- علی اکبر، قریشی بنایی، قاموس قرآن؛ ج ۷؛ ص ۲۲۶

۷- مجتبی، بحرینی، تورا گواه میگیریم، ص ۱۸۸

۸- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن؛ ج ۱؛ ص ۲۶۴ و علی اکبر، قرشی بنایی،

قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۷۳

۹- علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۴۸۹

بر اساس آیات و روایات ضمن آشنایی با جایگاه این دو اصل چنین نتیجه می‌گیریم که طرح دوستی و همسویی با دشمنان قسم خورده ممنوع است. و ایمان و اعتقاد خط قرمزی بین اهل ایمان و دیگران است. چنانکه از اهمیت خاصی در دوران غیبت برخوردار است.

حقّ: ثابت، صدق، ضدّ باطل.^۱ اصل حقّ بمعنی مطابقت و موافقت است.^۲

الباطل: نقیض و مقابل حقّ است، یعنی چیزی که به هنگام بحث و تحقیق حقیقتی و ثباتی ندارد.^۳

مَعْرُوف: اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده است.^۴

مُنْكَر - هر کاریست که عقل‌ها و خردهای صحیح زشتی آنرا حکم می‌کند یا اینکه عقل‌ها در زشتی و خوبی آن کار سکوت می‌کنند سپس دین و شریعت بدی و زشتی آنرا بیان می‌کند.^۵

بنا بر روایات ائمه حق و معروف ایشان هستند و باطل و منکر دشمنان ایشان می‌باشند. و سخن آخر اینکه برای اعلام آمادگی در کنار امام عجلو الله تعالی فرجه الشریف باید سه گام برداشت گام اول اظهار ایمان و اعتراف به وحدانیت حق، رسالت حضرت ختمی مرتبت و وصایت امیر امومنین و سایر خاندان رسالت. گام دوم فرمانبرداری نسبت به هرگونه امر و فرمان حضرت اظهار نماییم و اطلاعات ایشان را بر خود واجب بشماریم و گام شوم مودت و محبت نسبت به اهل بیت رسالت علیه السلام است.^۶

۱- علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج، ص ۱۵۸

۲- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۵۱۸

۳- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۸۰

۴- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن؛ ج ۲؛ ص ۵۸۶

۵- همان؛ ج ۴؛ ص ۳۹۷

۶- ر.ک مجتبی، بحرینی، تورا گواه می‌گیرم، ص ۲۲۳-۲۲۵

نتیجه

با توجه به شرح زیارت آل یاسین و بررسی عقاید حقه شیعه بر مبنای این زیارت، نتیجه می گیریم که با استفاده از آیات نورانی قرآن و گفته های ناب ائمه معصومین (علیهم السلام) می توانیم به عمق مطالب و مفاهیم الفاظ زیارت پی ببریم و آنها را سرلوحه زندگی خودمان قرار دهیم تا تحکیم بخش عقایدمان باشد و با عرضه آنها به پیشگاه امام زمان (علیه السلام) از خطا و اشتباه دور شویم و راه مستقیم را در پی گیریم و در نهایت به رستگاری برسیم.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۶جلد، مكتب الاعلام الاسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ق
۲. بحرینی، مجتبی، سلام بر پرچم افراشته (شرح سلام های زیارت آل یاسین)، انتشارات منیر- قم، چاپ: اول، سال ۱۳۷۷ش
۳. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، انتشارات اسلامی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵ش
۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان(شرح زیارت جامعه کبیره)، ۹جلد، انتشارات اسراء- قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ش
۵. جوادی، مرتضی، فلسفه زیارت و آیین آن، مؤسسه نشر اسراء- قم، چاپ: سوم، ۱۳۸۲ش
۶. خمینی، روح الله، توحید از دیدگاه امام خمینی، تدوین فروغ السادات رحیم پور، انتشارات آثار امام خمینی- تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ش
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی- تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ش
۸. رفیعی، جعفر، تفسیر و شرح زیارت آل یاسین، مؤسسه یاران قائم(عجل الله تعالی فرجه شریف) - قم، چاپ: اول، سال ۱۳۷۷ش
۹. رفیعی، جعفر، شرح و تفسیر دعای ندبه، انتشارات مؤسسه یاران، چاپ: اول، ۱۳۸۲ش
۱۰. ری شهری، محمد، ری شهری، درس هایی از صول عقاید اسلامی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی- تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۶ش
۱۱. سبحانی، جعفر، معادشناسی(درپرتویکتاب، سنت و عقل)، ترجمه علی شیروانی، انتشارات الزهراء، چاپ: اول، ۱۳۷۰ش
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، انتشارات السیده المعصومه- قم، ۱۴۱۹ق
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، انتشارات عصر غیبت، چاپ: اول، ۱۳۸۲ش
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، اصول عقائد و دستورات دینی، به اهتمام اصغر ارادتی، انتشارات دفتر تنظیم نشر آیت الله طباطبایی، چاپ ۱۳۸۲ش
۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۶جلد، انتشارات مرتضوی- تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ش
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات راه رشد- تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ش
۱۷. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، ۹جلد، انتشارات هجرت - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ق
۱۸. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ۲جلد، مؤسسه دار الهجرة - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، انتشارات بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ: اول، ۱۳۷۷ش

۲۰. مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا- قم، چاپ: دهم، پاییز ۱۳۶۱ ش
۲۱. مطهری، مرتضی، نبوت، انتشارات صدرا- قم- چاپ اول، بی تا
۲۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری (بخش اصول عقاید مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی)، انتشارات صدرا- تهران، چاپ: یازدهم، ۱۳۸۳ ش
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۵۰ درس اصول عقائد برای جوانان، انتشارات نسل جوان- قم، ۱۳۸۶ ش